

مدارس کارآمد از دیدگاه متخصصین

این حرفه، حرفه تشریفاتی نیست و با حرفها و صحبتها عملی نمی شود. استخدام و مصاحبه معلمانی باید به طور دقیق صورت گیرد. باید جذابیت‌هایی درست کنیم که فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های معتبر طالب رشته معلمی باشند و این کار باید با برنامه‌ریزی دراز مدت و بودجه خوب انجام شود.

مدیر گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد واحد اصفهان با اشاره به جایگاه رسانه و نقش آن در کیفیت بخشی به مدرسه می‌افزاید: باید کانال‌هایی برای تدریس روش‌های آموزشی، خبرهای تربیتی و آموزشی و تعامل با دانش‌آموزان و معرفی معلمان برجسته وجود داشته باشد و عملیاتی شود. ضمن اینکه خبرها فقط در حد تعریف و تمجید از معلمان نباشد. برای معلمان کارایی داشته باشد و خبرهای درست و تصویب شده را ارائه دهند. وی در ادامه نقش خانواده و اجتماع را در کارآمدی مدارس بسیار مهم و بالا دانسته و می‌گوید یک همخوانی بین مدارس و خانواده باید به وجود آید و خانواده‌ها باید آموزش دیده شوند و با مدرسه و معلمان تعامل کامل داشته باشند. معلمان در کشورهای پیشرفته ماهی یک روز مدرسه را تعطیل می‌کنند و کلاس را به همراه پدر و مادر دانش‌آموز تشکیل می‌دهند تا با یکدیگر آشنا شوند و مشکلات را حل و فصل کنند. بین مدرسه و خانواده باید جو دوستانه‌ای برقرار شود و خانواده‌ها باید با سوادتر و علاقه‌مند به سر نوشت بچه‌هایشان باشند.

دکتر غلامرضا احمدی عوامل کارآمدی مدارس را حقوق ناکافی معلمان، انتخاب نادرست معلمان، مراجعه افراد رانده شده از سایر پست‌ها به معلمی، عدم حفظ انگیزه معلمان در طول خدمت، انتخاب مدیران غلط و دو شغله بودن اغلب فرهنگیان که موجب کم گذاشتن در آموزش برای دانش‌آموزان می‌شود می‌داند. وی در پایان انتشار اخبار آموزشی برای معلمان، روش‌های جدید مدیریت، تعامل با دانش‌آموز و اولیاء و زمینه‌هایی که در این مورد به معلمان کمک می‌کند، روش‌های سنجش و آموزش صحیح و ترجمه مقالات خوب خارجی را از جمله مطالبی می‌داند که باید در فصل نامه مدارس کارآمد ارائه شود و می‌افزاید؛ این نشریه باید به گونه‌ای باشد که به معلمان آموزش از راه دور دهد. مسائل کلی معلم را به او آموزش دهد. پایه‌های آموزشی معلمان را تقویت کند و مطالبی منتشر کند تا فردی که مجله را مطالعه کرده با کسی که مجله را مطالعه نکرده فرق کند و طوری باشد که معلمان با مطالعه نشریه اطلاعاتشان به روز باشد.

رفع بهبود مشکلاتشان نمی‌کنند. برای از بین بردن تفاوت‌ها باید پول صرف آموزش و پرورش کنیم. از نیروی متخصص استفاده کرده و سعی کنیم انگیزه را در نیروی انسانی حفظ کرده و تاجایی که ممکن است آنها را از لحاظ مالی تأمین کنیم.

مترجم کتاب "نظارت و راهنمایی آموزشی در مدارس امروز" به نقش مهم مدیران مدارس در ارتقاء کیفیت اداره مدرسه اشاره می‌کند و می‌افزاید: متأسفانه ضعف‌هایی در سازمان مدیریت مدارس دیده می‌شود. به عنوان مثال کسانی که برای مدیریت انتخاب می‌شوند خیلی در حرفه خود تخصص ندارند و آموزش‌های لازم را فرا نگرفته‌اند. دوم آنکه مدیران ما اشتغال به اموری دارند که اصلاً ربطی به مدیریت ندارد. در کشورهای پیشرفته خیلی از کارهایی که مدیران مدارس کشور ما انجام می‌دهند، بر عهده شرکت‌های خدماتی است. وظیفه مدیر مدرسه نظارت آموزشی است که متأسفانه خیلی کم به آن می‌پردازند. مدیران باید قدرت، توان، سواد و روابط انسانی را داشته باشند و ناظر تدریس معلمان باشند. سیستم آموزشی باید مدیر مدرسه را به عنوان متخصص آموزشی انتخاب کند تا خود بتواند نظارت آموزشی را به خوبی انجام دهد. سیستم آموزشی باید نظارت کامل بر روی مدیریت داشته باشد.

دکتر غلامرضا احمدی ضمن سودمند شمردن استفاده مدارس از تجربیات یکدیگر روحیه تجربه‌پذیری در آموزش و پرورش ما را بسیار کم دانسته و ادامه می‌دهد مدیران که تغییر می‌کنند، تجربه خود را می‌برند و افراد جدید خودشان باید مجدداً برخی مسائل را تجربه کنند. دوره‌های آموزشی ضمن خدمت را باید به وسیله مدیران اداره کنیم تا مدیران تجربیات خود را در این کلاسها به سایر افراد آموزش دهند. وی معتقد است برای بالا بردن انگیزه پیشرفت‌طلبی و ارتقای مدارس

باید معلمان در جامعه احساس احترام کنند. تا حدودی معلمان این حس را خودشان باید ایجاد کنند و از طرف دیگر، مردم نیز باید این حس را در آنها تکمیل کنند تا زمینه‌های اعتماد به نفس برای معلمان فراهم شود و طوری باشد که مانند گذشته برای معلمان ارزش و احترام قائل باشند. این شخصیت زمانی جامی افتد که واقعاً یک معلم برای شغل معلمی انتخاب شود. افرادی باید انتخاب شوند که آموزش دیده در دانشگاه‌های تربیت معلم باشند نه اینکه هر فردی که تجربه ندارد و رانده شده از حرفه‌های دیگر است، به این شغل بیاورد.



معلمان مدارس کارآمد در تخصص خود تدریس می‌کنند

دکتر غلامرضا احمدی معتقد است مدرسه کارآمد مدرسه‌ای است که همه معلمان آن آموزش دیده باشند و در تخصص خود تدریس کنند. در این مدرسه از دانش‌آموزان انتظارات بالا ولی به صورت تدریجی وجود دارد ضمن اینکه مدیریت سازمان آموزش و پرورش باید روابط سازمانی کاملاً خوبی با کادر مدرسه، معلمان و دانش‌آموزان داشته باشد تا به اهداف خود برسد.

وی با اشاره به متفاوت بودن مدارس با هم، علت تفاوت‌ها را در دو بخش تفکیک کرده و می‌گوید: اولین تفاوت انتخاب معلمان می‌باشد معلمان ما باید از افراد آموزش دیده باشند. باید توجه داشت که هر نیرویی را نباید برای تدریس استخدام کرد یا حتی معلمان خوب را نباید گلچین کنیم که این کار موجب می‌شود بعضی از مدارس کادر معلمی قویتری نسبت به مدارس دیگر داشته باشند. دومین تفاوت فاز فرهنگی دانش‌آموزان و اولیاء آنهاست که بسیار نقش دهنده و موثر است. خانواده‌ها مدارسی را انتخاب می‌کنند که کادر آموزشی عالی و کارایی بالایی داشته باشند.

وی در ادامه به فواید و معایب طبقه بندی و درجه بندی مدارس اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد: طبقه بندی و درجه بندی مدارس جو رقابتی بین مدارس ایجاد می‌کند. همه مدارس تلاش و کوشش خود را مضاعف می‌کنند تا موفق باشند و خود را به بهترین درجه برسانند. در این حالت مدارس روی نقطه ضعف‌هایشان کار می‌کنند تا آنها را از بین ببرند. به بیان دیگر در مدارس ایجاد انگیزه می‌کنند. البته این امر معایبی هم دارد از آن جمله این که مدرسی که مارک ناموفق بر آنها می‌خورد، تمام عوامل از جمله معلمان و دانش‌آموزانش ناموفق و بی‌انگیزه می‌شوند حتی روحیه خود را از دست می‌دهند و تلاشی برای

این نشریه باید بگونه‌ای باشد که معلمان بی‌علاقه، علاقه‌مند به خواندن مجله شوند.



ساختار تمام مدارس یکی است

امیر حسین محمودی دکترای مدیریت آموزشی به جای استفاده از کارآمدی از کلمه اثربخشی استفاده می‌کند و معتقد است که اثربخشی هم به کار کرد و هم به اثر و هدف آن توجه دارد. اثربخشی به لحاظ علمی، محتوایش غنی‌تر است. در خصوص مدارس اثربخش مطالعات نظری بسیاری در کشورهای مختلف انجام شده است. به عقیده وی بررسی میدانی در این خصوص در کشور ما کاری بیهوده است چون ساختار اکثر مدارس در کشور ما دارای ملاک علمی نیست. اگر بخواهیم روی مدارس دولتی قضاوتی نکنیم نمی‌توانیم به یک مدرسه آرمانی برسیم.

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی برای تحقق یک مدرسه مطلوب مطالعه روی مبانی نظری و تئوری آن را مقدم می‌داند و معتقد است اول باید مشخص کرد که مدرسه اثربخش چه عناصر و مولفه‌هایی دارد و ساختار آنها چگونه است. سپس به جمع‌بندی و مدل‌سازی پرداخت. در حقیقت یافته‌های نظری را مدل‌جایی کرده و در یک منطقه به عنوان نمونه اجرا کرد.

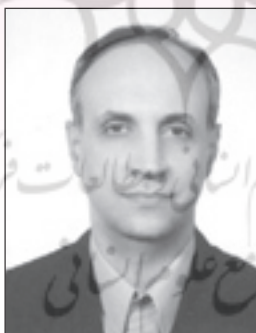
محمودی ادامه می‌دهد: از آنجا که ساختار تمام مدارس یکی است و نظام آموزشی ما متمرکز است و به لحاظ قوانین، مقررات و محتوای درسی از یک منبع سرچشمه می‌گیرد. دولتی و غیرانتفاعی بودن مدرسه ملاک نتیجه‌بخشی اجرای مدل‌ها نمی‌باشد.

در مدرسه کارآمد استعداد همه دانش‌آموزان کشف می‌شود

دکتر مهدی دوابی متخصص و روانشناس تربیتی معتقد است از گذشته دو نوع دیدگاه بر تعلیم و تربیت ماحاکم بوده است. وجود این دیدگاه در نظام آموزشی باعث می‌شود که بتوانیم تشخیص دهیم کدام مدرسه کارآمد و کدام ناکارآمد است. در اصل این دو دیدگاه برای ماحکم ملاک را دارد. شاید آن زمانی که افلاطون اعلام کرد کسانی می‌توانند در آکادمی من بیایند که در ریاضی خوب باشند و شاید قبلتر از آن، چنین نگرشی بر انسان حاکم بود که اگر می‌خواستند

فرد با هوش را به کسی معرفی کنند می‌گفتند فردی است که ریاضی‌اش خوب باشد. برای ما اینگونه جا افتاده است که فرد باهوش فردی است که هوش ریاضی‌اش خوب باشد. وقتی تستهای هوش را نیز مورد بررسی قرار می‌دهیم مشاهده می‌کنیم که به طور کلی در تستهای هوش بر روی دو موضوع خیلی تمرکز شده است. اولین موضوع منطق و حساب و کتاب و دومی حافظه و کلام است. یعنی یکی بر روی منطق ریاضی و دیگری هم بر روی زبان و کلام متمرکز شده است. نظام تعلیم و تربیت ما تحت تاثیر این رویکرد شکل می‌گیرد. در حقیقت فرد باهوش را کسی می‌دانیم که ریاضی‌اش خوب باشد. از اوایی که مدارس ما تأسیس شدند تا به امروزه می‌بینیم که فقط ما به این دو مقوله پرداختیم.

به اعتقاد وی مدارسی که خودشان را تنها به چند بعد مانند خوب یاد گرفتن، خوب حفظ کردن، خوب نوشتن، خوب خواندن و خوب حساب کردن محدود کردند، مدارس ناکارآمد هستند اما مدرسه‌ای که این ابعاد را به چالش بکشد و برای انسان بعدهای مختلف قائل باشد، مدرسه کارآمد محسوب می‌شود. یعنی انسان را چند بعدی نگاه کند و آن را تک بعدی یا دو بعدی در نظر نگیرد و ابعاد بالاتر را نیز ببینند. پس مدرسه ناکارآمد مدرسه‌ای است که انسان را با بعدهای محدود نگاه می‌کند و مدرسه کارآمد، مدرسه‌ای است که چند بعدی به انسان نگاه می‌کند و در ادامه به یک مثال اشاره می‌کند و می‌گوید در داستانهای اساطیری یونان پادشاهی بوده که گفته بود "کسانی می‌توانند تبعه کشور ما شوند که قدشان



به اندازه تخت پادشاه باشد." اگر کسی قدش کوتاه‌تر از تخت بود او را می‌کشیدند تا کش بیاید و اگر بلند تر بود سرو ته او را می‌زدند و او را هم قد تخت پادشاه می‌کردند. این حرکت خیلی ناجوانمردانه بود. یعنی عمدتاً همه از بین می‌رفتند. معدود کسانی بودند که قدشان هم قد تخت پادشاه باشد.

عضو شورای تحقیقات آموزش و پرورش شهر تهران، نظام آموزش و پرورش را مشابه مثال فوق دانسته و ادامه می‌دهد: کتابهایی با حجمهای متعدد در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهیم، اگر دانش‌آموزی بیشتر از حجم این کتابها گنجایش داشته باشد و بیشتر از حد این کتابها بتواند پیش برود از او عذر خواهی می‌کنیم و به او می‌گوییم که سیستم ما بیشتر از این نمی‌تواند جوابگوی شما باشد (در اصل سروته او را می‌زنیم) و یا برعکس اگر حجم این مطالب

برای دانش‌آموزی زیاد باشد به او هم گفته می‌شود که ما شرمند تو هستی (در واقع او را می‌کشیم) پس برای خود معلم خصوصی بگیر، کلاس تقویتی برو تا خودت را به دیگر دانش‌آموزان برسانی. به هر طریقی که شده دانش‌آموزان را می‌کشیم تا به اندازه دلخواهمان در آیند.

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی معتقد است در مدارس به اشتباه می‌خواهند با یک استاندارد از پیش تهیه و تعریف شده همه دانش‌آموزان را تحت آن استاندارد در آورند و چند بعدی نگرانی انسان را فراموش می‌کنند.

این متخصص برنامه‌ریزی درسی ادامه می‌دهد: البته این چالش و دغدغه برای امروز نیست اما در این یکی دو دهه اخیر رویکردی به نام رویکرد شناختی مطرح شده است که می‌گوید انسان را نباید فقط به یک یا چند بعد محدود کرد، بلکه انسان قدرت تصمیم‌گیری، انتخاب و حل مسئله دارد یعنی بعدهای دیگر را هم باید اضافه کنیم. باید نگاهمان را به انسان چند بعدی کنیم. باید بقیه ابعاد را نیز در نظر بگیریم. این همان هوش‌های چندگانه گاردنر است که مطرح می‌کند و می‌گوید کسی که طبیعت‌گرا باشد انسان باهوشی است مثلاً بعضی از بچه‌ها که با جوجه و خرگوش بازی می‌کنند طبق رویکرد جدید عنوان می‌شود این بچه‌ها به اندازه کسی که ریاضی‌اش خوب است، باهوش هستند. کسی که می‌تواند با طبیعت رابطه برقرار کند، خداوند استعدادی در وجودش قرار داده است. مدرسه کارآمد مدرسه‌ای است که این استعدادها را بشناسد و آنها را بالفعل برساند. مدرسه‌ای کارآمد است که کسانی که در آنجا تحصیل می‌کنند این بنیه در آنها خوب تقویت و شناسایی شود تا بتوانند به خوبی در رابطه با خودشان قضاوت کنند. نقاط ضعف و قوت خود را بشناسند و به خود شناسی برسند. این یک هوش و توانایی است که هر کسی ندارد. کسی که می‌تواند کارهای ظریف هنری را به خوبی انجام دهد و می‌تواند عضلات ریز جسم و بدن خود برای انجام این کارها از جمله منبت کاری و خیاطی استفاده کند، به اندازه همان فرد که ریاضی‌اش خوب است، انسان باهوشی است و حتی فردی که خوب می‌تواند ذهن و جسمش را هماهنگ کند تا توپ بسکتبال را در حلقه بیناندازد او نیز انسان باهوشی است. در چنین مدرسه‌ای به این مسائل توجه ویژه‌ای می‌گردد.

این نگاه جدیدی است که در یکی دو دهه اخیر در تعلیم و تربیت حاکم شده است و مشاهده می‌کنیم که حرکت‌های خوبی انجام گرفته است.

دکتر مهدی دوابی طبقه‌بندی مدارس را باعث ایجاد رقابت می‌داند و معتقد است رقابت در ذات خود، بد نیست اما رقابت باید سازنده بوده و مخرب نباشد. طبقه‌بندی و درجه‌بندی مدارس موجب می‌شود که مدارس موفق خود را به استانداردهای بالاتر برسانند و مدارس ناموفق نیز خود را به حد استانداردها برسانند تا جزو مدارس موفق محسوب شوند. قبل از طبقه‌بندی مدارس باید استانداردها را برایشان تعریف کنیم و بر اساس استانداردهای موجود یعنی موفق

باورهای دینی، علائق ملی، توجه به پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و پیشرفت‌های دانش‌های نوین در زمینه‌های مهندسی، زیست‌شناسی و سایر تکنولوژی‌هایی که امروزه جوامع را به سمت جوامع صنعتی و فراصنعتی پیش می‌برد، پیش‌رود.

به عقیده او مدارس موجود در ایران از چند عارضه رنج می‌برند که مهم‌ترین آن مدیریت‌های غیر تخصصی و عمدتاً سیاسی ادارات آموزش و پرورش ملی و استانی است.

این سیستم مدیریتی توجه کافی به اصلاح برنامه‌های درسی، اصلاح روش‌های تدریس و پاسخگویی به نیازهای دانش‌آموزان والدین ندارد.

در حقیقت یک برنامه رسمی و یکنواخت را در گستره ۳۳ استان متفاوت با نیازها و فرهنگ‌های متفاوت به صورت قالبی اجرا می‌شود که این منجر به اتلاف وقت دانش‌آموزان و معلمان، اتلاف بودجه‌های سنگینی که دولت برای آموزش و پرورش تخصیص می‌دهد و فرصت سوزی استفاده از نیروهای جوان و ایجاد اشتغال برای جوانان است.

منشور مدارس کارآمد باید تدوین شود

دکتر حسین قاسم پور معتقد است که مدارس ما به دلیل شرایط و امکانات آموزشی و پرورشی با هم تفاوت دارند اما اگر در نظام آموزشی تعریف درستی از مدرسه کارآمد شده باشد، این تفاوت‌ها کم‌رنگ می‌شود. زیرا هر مدرسه‌ای تلاش می‌کند بدون در نظر گرفتن تفاوت‌ها، خود را به اهداف نمایی و نهایی نظام جمهوری اسلامی برساند.

این عضو پار هوقت گروه پژوهشی مبنای برنامه‌ریزی درسی موسسه پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزشی در تعریف خود از مدرسه کارآمد می‌گوید: مدرسه‌ای است که خواسته‌ها و انتظارات نظام آموزشی جمهوری اسلامی را محقق می‌سازد. این مدرسه در یک فرایند سیستماتیک قرار دارد و سعی می‌کند افراد را در جهت سیر به تعالی و تکامل هدایت کند.

این مدرسه افراد را با شرایط و ویژگی‌های متفاوتی می‌پذیرد و به افرادی مطلوب تبدیل می‌کند تا آنان بتوانند در خدمت جامعه، آرمان‌ها و اعتقادات به حق دینی باشند. وی در پاسخ به این سؤال که طبقه‌بندی و درجه‌بندی مدارس چه فواید و مضراتی دارد، اظهار می‌دارد: طبقه‌بندی و درجه‌بندی مدارس باعث ایجاد انگیزه در افراد ضعیف برای رسیدن به مراتب بالاتر و تلاش بیشتر برای رشد در افراد قوی‌تر می‌شود.

طبقه‌بندی مدارس باعث برجسته شدن واقعیت‌ها و در نتیجه جلب حمایت مسئولان از مدارس پائین‌تر می‌شود. اگر درجه‌بندی تعریف روشنی نداشته باشد، ممکن است منجر به تفسیر به رأی افراد یا اهمیت دادن به شرایط فیزیکی شود.

دکتر قاسم‌پور به عوامل ناکارآمدی مدارس اشاره می‌کند و می‌افزاید: عوامل ناکارآمدی مدارس زیاد است اما برخی از آنها شامل نبود نظام سیستمی در

و موقعیت خویش، وظیفه محوله خود را درک کرده باشد، دانش آن را دارا بوده و از توان انجام آن برخوردار باشد.

وی معتقد است عمده‌ترین عامل در کارآمدی مدرسه "نیروی انسانی کارآمد" است. و با توجه به این نکته و کمبود نیروی انسانی با ویژگی‌های برشمرده، باید اذغان داشت که مدارس موجود در نظام فعلی آموزش کشور تفاوت‌چندانی با یکدیگر ندارند.

اگرچه در چند سال اخیر در کنار مدارس دولتی، مدارس اصطلاحاً "غیرانتفاعی" شکل گرفته است، اینها نیز به لحاظ کمبود همان مقوله یعنی نیروی انسانی با کفایت، کارآمد نیستند و غیر از پولی بودن آنها، دارای تفاوت‌هایی با مدارس دولتی هستند که هر یک از آنها خود موجب بروز مشکلات عدیده‌ای در آینده خواهد بود. استاد تمام دانشگاه تربیت معلم، برخی از این تفاوت‌ها را شامل ساعات طولانی توقف شاگردان در مدارس، بردن دانش‌آموزان به اردوهای اجباری، فعالیت‌های اصطلاحاً فوق برنامه اجباری و وارد آوردن فشار به دانش‌آموزان و والدین آنان در جهت انجام تکالیف مدرسه و مانند آن می‌داند و اضافه می‌کند با توجه به توضیحات یاد شده در خصوص کمبود نیروی انسانی واقعی در مدارس، مدارس موجود نمی‌توانند مستقل باشند و توانایی حل مسائل خود را درون مدرسه ندارند و این مشکل تا دستیابی مدارس به نیروی انسانی موجود باقی است.

وی در خصوص نقش اعتبارات و پول در کارآمد سازی مدارس معتقد است صرف بودجه و امکانات کار ساز نیست و مدارس را کارآمد نمی‌کند. بلکه همراهی و هماهنگی بودجه و امکانات با نیروی انسانی کارآمد، سبب شکوفایی علمی و فرهنگی است.

استاد تمام افتخاری دانشگاه و یکن استرالیان نقش رسانه را در کیفیت بخشی به مدارس مهم می‌شمارد و توصیه می‌کند رسانه‌ها و نشریات تخصصی از جمله فصل نامه مدارس کارآمد، باید بی‌پروا توصیه به توسعه نیروی انسانی موجود داشته باشند و راهکارهای تربیت چنین نیروهایی را ارائه دهند.

مدیریت در آموزش و پرورش تخصصی است

دکتر پرویز ساکتی عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز معتقد است مدارس کارآمدی موفق، مدارس هستند که در برنامه‌های درسی توجه اصلی به اهداف ملی، توسعه جوامع محلیشان و پاسخگویی به نیاز دانش‌آموزان با توجه به گروه سنی و رشدی که در آن هستند، داشته باشند.

وی سمت‌گیری توجه‌های اصلی را به اوضاع اقتصادی کشور، وضعیت پیشرفت علم و تکنولوژی در کشور و دنیا، چگونگی ترجمان یا تبدیل نیازهای اقتصاد ملی، همگامی دانش و فناوری روز با محتوای درسی، ایجاد مهارت‌های لازم برای ایفای نقش مثبت شهروندی و فعالیت‌های مولد اقتصادی فارغ‌التحصیلان مقاطع تحصیلی لازم می‌داند و ادامه می‌دهد: برنامه درسی ما باید علاوه بر ایجاد

و ناموفق، مدارس را طبقه‌بندی کنیم. در این رقابت قصد این است که همه برنده - برنده باشند نه برنده - بازنده. همه خوشحال و موفق باشند نه ناراحت و ناموفق.

وی نقش مدیران مدارس را در این میان بسیار مهم دانست و گفت: مدیران باید تا جایی که می‌توانند از ابزار و لوازم و نیروی انسانی که در اختیار دارند استفاده کنند و توانایی‌های بالقوه افراد را چه در کادر آموزشی مدرسه و چه در دانش‌آموزان به فعل برسانند و زمینه‌ای را برای بروز استعدادهای افراد فراهم آورند.

مشاور مدیر کل اجتماعی استانداری تهران با اشاره به نقش رسانه هادر بهبود کیفیت مدارس اظهار داشت در کل، رسانه‌ها باید بتوانند زمینه‌سازی کنند که سیستم آموزشی از زمینه و ابزار فراهم شده برای رسیدن به اهدافش چند بعد نگری به انسان است بتواند راحت استفاده کند. اگر شاکله یک رسانه نداند به کجای خواهد بود و حتی رویکردی بر آنها حاکم نباشد به بیراه خواهد رفت. در حال حاضر کمیت رسانه‌ها زیاد شده است ولی متأسفانه کارایی چندانی ندارند. رویکرد اصلی را باید رسانه مورد نظر مشخص کند و آن را به کلاس‌ها ببرد و اجرا کند. در این صورت است که تحول ایجاد می‌شود.

این مشاور خانواده جایگاه و نقش خانواده‌ها را در شکل‌گیری یک مدرسه کارآمد بسیار با اهمیت خواند و افزود: نقش خانواده این است که با تمام تلاش خود به مدرسه کارآمد کمک کند. خانواده‌ها باید همان استعدادی را که خداوند در اختیار فرزندانشان قرار داده بپذیرند و از مدرسه چیزی فراتر از آن استعداد نخواهند. کمال طلبی ایده‌آل گونه و غیر واقعی را از مدرسه انتظار نداشته باشند. اگر این انتظار وجود داشته باشد ممکن است مدرسه را در سیکل معیوب بیندازد و مدارس تبدیل به مدارس ناکارآمد شوند. نقش خانواده این است که کمک کند استعدادهای دانش‌آموزان شناخته شود و در حد خودشان بالفعل شود. وی در پایان خاطر نشان کرد تا وقتی که این سیکل معیوب در مدارس از بین نرود مدارس ما به مدارس کارآمد تبدیل نمی‌شوند. خانواده‌ها باید دست از کمال‌طلبی بردارند منظورم از کمال‌طلبی در حدی بیشتر از بالقوه مان است. به طور کلی اگر نگرش خانواده‌ها تغییر کند، مثبت فکر کنند، به مدارس یاری دهند و برای پرورش استعداد فرزندانشان به مدارس کمک دهند می‌توان امید داشت که جامعه نیز اصلاح می‌شود. اجتماع از خانواده‌ها تشکیل می‌شود. باید از خودمان شروع کنیم اگر خودمان درست شدیم اجتماع نیز درست می‌شود. کوچکترین نهاد در اجتماع خانواده است اگر این نهاد اصولی درست شود، می‌توان امید داشت که نگرش اجتماع نیز عوض می‌شود.

عمده‌ترین عامل در کارآمدی مدرسه "نیروی انسانی کارآمد" است

دکتر عزت‌الله نادری مدرسه کارآمد را مدرسه‌ای می‌داند که هر یک از عوامل نیروی انسانی آن در مقام



نهاد آموزش و پرورش، نبود نظام نظارت کیفی بر اجرای فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، نبود نیروی انسانی متعهد، متخصص و وفادار به خواسته های تعلیم و تربیت کشور، نبود نهادهای حمایت کننده و پشتیبان از مدارس کارآمد، روشن نبودن معیارها و استانداردهای مدارس کارآمد برای مدارس و هماهنگ نبودن نهادهای رسمی و غیررسمی مرتبط با نظام تعلیم و تربیت کشور است. وی با بیان این که منابع مالی عامل مهمی در کارآمدی است، می گوید: منابع مالی عامل کافی به شمار نمی رود زیرا همه عوامل باید با هم به کار گرفته شوند. گاهی تنها عامل مالی برای این منظور موثر نیست اما اگر تخصص، تعهد، لیاقت و برنامه ریزی وجود داشته باشد، به طور طبیعی منابع مالی هم عامل ضروری و لازم به شمار خواهد رفت. این عضو گروه پژوهشی مبانی برنامه ریزی درسی موسسه پژوهشی و برنامه ریزی آموزشی با اشاره به این نکته که مدیر مدرسه یکی از ارکان اصلی تحقق اهداف مدارس کارآمد است، ادامه می دهد: لازم است که مدیر شرایط تحقق آن را داشته باشد. به عبارت دیگر مدیر باید تعهد، تخصص و شایستگی مدیریت را داشته باشد. در غیر این صورت نه تنها موثر نخواهد بود بلکه موجب پس رفتگی مدرسه و در نتیجه نظام آموزشی خواهد شد.

وی به نقش خانواده و اجتماع در کارآمدی مدارس نیز اشاره می کند و می افزاید: خانواده به عنوان نهاد کوچک و جامعه به عنوان نهاد بزرگ تأثیر بسیار مهمی در عملکرد و بازدهی مدارس دارند. خانواده و جامعه گاهی با بی تفاوتی و عدم نظارت بر مدارس ممکن است باعث کم رنگ شدن جایگاه مدارس در تربیت صحیح نسل آینده باشند اما خانواده و جامعه می تواند با همکاری متقابل با مدارس در کارآمدی این نهادها، نقش موثری ایفا کند. خانواده، مدرسه و جامعه مشابه مثلثی هستند که همه با هم در تربیت انسان کامل، می کوشند و اگر یکی از آنها دچار سستی و رخوت شود، بنیاد بقیه نیز دچار خلل می شود.

دکتر قاسم پور با بیان اینکه در جهان معاصر رسانه نقش بسیار تعیین کننده ای در کیفیت بخشی مدارس دارند، اظهار می دارد: لازم است فرهنگ استفاده از رسانه در مدارس نهادینه شود. باید امکان استفاده از رسانه در مدارس فراهم و توانمندی استفاده از رسانه در مدرسه وجود داشته باشد. باید به نقش رسانه در کیفیت بخشی، باور قلبی داشت. وی می گوید: در شرایط فعلی در هر منطقه

آموزشی، تعدادی از مدارس همجوار تحت عنوان مدارس بخشی زیر نظر یک مدیر با هم ارتباط دارند. این مدارس بخشی، سعی دارند اولین و تازه ترین اطلاعات را در اختیار هم بگذارند. مجهز شدن مدارس به سیستم رایانه ای نیز عامل دیگری برای تبادل اطلاعات است.

این عضو گروه پژوهشی مبانی برنامه ریزی درسی موسسه پژوهشی و برنامه ریزی آموزشی در پاسخ به این سؤال که برای بالا بردن انگیزه پیشرفت طلبی در مدارس چه کاری باید انجام داد، می افزاید: باید مسئولان مناطق آموزشی در مرحله اول منشور مدارس کارآمد را تدوین کرده و طی جلساتی آن را به مدیران و معلمان تبیین کنند. باید سیستم نظارت و ارزیابی به نحو درستی بر اجرای منشور در مدارس نظارت داشته باشد و نظام آموزشی باید مدارس را به امکانات و وسایل مورد نیاز تجهیز کند. باید مدارس به جای تلاش در ارتقای کمی به ارتقای کیفی نیز اهمیت دهند. برنامه ریزی صحیح و اصولی از سطوح بالا به پایین، حمایت و نظارت صحیح و منطقی از سطوح بالاتر، تأمین و اختصاص منابع مالی و اعتبارات مورد نیاز، آماده سازی شرایط و امکانات جهت تسهیل فرآیند کارآمد سازی مدارس، احصاء منابع و متون دینی به منظور سرلوحه سازی آن در امور آموزشی، اشاعه و فرهنگ سازی در جامعه و نهادهای رسمی و غیر رسمی و به خدمت گرفتن رسانه ها برای بستر سازی و ایجاد هماهنگی از نمونه راهکارهایی است که دکتر قاسم پور برای رسیدن به مدارس کارآمد پیشنهاد می دهد. دکتر قاسم پور معتقد است نشریه کارآمد می تواند در کنار دیگر نشریه های مرتبط با موضوع تعلیم و تربیت ایرانی - اسلامی به رشد و تقویت اهداف کلان و خرد نظام آموزشی کمک کند و میزان آگاهی، مهارت و باورهای مدیران و معلمان در یک کلام مردم را در زمینه کارآمدی مدارس افزایش دهد. وی اضافه می کند: این نشریه می تواند موضوعات خود را با مراجعه به مدارس و مصاحبه با افراد شاغل در مدارس تهیه و پیش بینی کند. این نشریه بهتر است موضوعاتی بسیار ساده و جزئی را انتخاب کند زیرا معلمان، خانواده ها و حتی مدیران در جزئی ترین مسائل اتفاق نظر ندارند پس بهتر است از پرداختن به موضوعات کلیشه ای و کلی پرهیز شود و سعی شود در کنار موضوعات بنیادی و نظری به موضوعات تجربی نیز پرداخته شود.

وی معتقد است نشریه کارآمد می تواند اطلاعات مفیدی را در اختیار مردم، خانواده ها، معلمان، مدیران و دانشجویان قرار دهد تا زمینه های اطلاع رسانی در جهت آشنایی با کارآمدی مدرسه بیشتر از پیش فراهم شود.

این عضو گروه پژوهشی مبانی برنامه ریزی درسی موسسه پژوهشی و برنامه ریزی آموزشی می گوید: به نظرم هر چه نشریات کشور حتی در زمینه های

مشترک بیشتر چاپ شوند، امکان تقویت و بهینه سازی حوزه های آموزشی و پرورشی بیشتر می شود. از سوی دیگر رقابت در اطلاع رسانی موجب تقویت نشریات و آگاهی بیشتر مردم از موضوعات می شود.

اگر اهداف اصلاح شوند در مدارس تحول می بینیم

دکتر حمید سپهر متخصص تعلیم و تربیت ویژگی یک مدرسه را متناسب با اهداف آموزش و پرورش عنوان می کند و معتقد است این که هدف آموزش و پرورش را پرورش خلاقیت، توانایی، تفکر و کاربرد مسئله بدانیم با این که آموزش و پرورش را داشتن اطلاعات، محفوظات زیاد و قبول شدن در امتحانات خاص مانند مدارس استعداد های درخشان، مدارس نمونه یا قبولی کنکور بدانیم، نحوه ارزیابی فرق می کند.

به نظر وی آنچه در فرهنگ ما بر آموزش و پرورش حاکم است و حتی مردم در ارزیابی و قضاوت خود به یک مدرسه خوب نسبت می دهند، مدرسه ای است که درجه قبولی کنکور آن بالا باشد.

دکتر حمید سپهر دلیل این نگرش را اینگونه عنوان می کند: بر اساس تجربه عملی خود و صحبت گسترده با مسئولان مدارس باید بگویم مدیریت های مدارس و سیستم های حاکم بر مدارس، تحت تأثیر دستورالعمل ها، ارزش ها و نظام حاکم بر مدارس است. نگاه در این نظام به مدرسه مطلوب، قبولی بالا در کنکور یا داشتن حجم اطلاعات زیاد توسط دانش آموز است و مدارس، خود را طوری تنظیم می کنند که به این اهداف پاسخ دهند.

مدارس از طرف آموزش و پرورش و از طرف جامعه با این ملاک ها مورد ارزیابی قرار می گیرد. در حقیقت مدارس توانایی زیادی در نوآوری یا ایجاد تحول در روش های تدریس و یادگیری ندارند چون فشار زیادی از طرف آموزش و پرورش و فرهنگ حاکم بر خانواده ها و جامعه احساس می کنند که فقط قبولی در کنکور ملاک عمل خودش قرار داده است. به عقیده وی برای تحقق مدارس کارآمد باید برنامه های درسی متنوع و اهداف آموزش و پرورش متحول گردد. روش های تدریس و یادگیری نیز باید متحول شود. آن زمان می توان بخشی از این تحول را ایجاد ابتکار و تغییری در روش ها و روش های درسی و رقابت مثبت در میان مدارس قرار داد. اهداف آموزش و پرورش به قبولی در کنکور محدود شده است. در حالی که این فاکتور محتوای تربیتی و آموزشی ندارد و بیشتر مهارت های حفظ اطلاعات و حل نظری برخی از مسائل را ملاک قرار می دهد. در آموزش و پرورش طرحی به نام مدیریت مدرسه محور مطرح بود که به خاطر تمرکز شدید به ارزش ها، روش ها و بیماری کنکور محوری، ابتر مانده است و مدارس احساس آزادی و ایجاد تحول و بهبود برنامه ها را نمی بینند. او در پایان اضافه می کند اگر اهداف اصلاح شوند حتی در شرایط محرومیت و منابع کم، تحولات ارزشمندی می توان در روش کار و مدیریت مدارس ایجاد کرد.